



کلمه

در حال حاضر مذاهب زیادی در جهان هستند. در بسیاری از مذاهب پیامبران نقش مهم دارند. پیامبران کسانی هستند که باور دارند افکار خدا را می‌شناسند و این افکار را با دنیای اطراف شان در میان می‌گذارند. در بعضی از مذاهب عیسی هم به عنوان یک چنین پیامبری شناخته شده است. ولی در حقیقت تفاوت بزرگ میان عیسی و پیامبران دیگر که پیامی را از خدایشان شنیده اند و منتقل کرده اند، وجود دارد. این تفاوت در چیست؟ آنچه عیسی درباره خودش می‌گوید بسیار واضح است.

عیسی درباره خود و ابراهیم چه می‌گوید؟

یوحنا ۱: ۵۲-۵۱

۱

پیامبران مکاشفات را از خدا می‌گیرند ولی هیچ کدام خدا را بطور کامل نمی‌شناسند. عیسی می‌گوید که خدا را می‌شناسد و پیش از تولد ابراهیم او بوده است. به عبارتی دیگر عیسی قبل از تولدش بر روی زمین می‌زیست.

اینجا درباره عیسی چه گفته میشود؟

یوحنا ۱: ۱-۴، ۱۰، ۱۴
عبرانیان ۱: ۱-۳

۱

۲

در اینجا عیسی را کلمه خدا مینامند. کلمه در آسمان جسمی نداشت. عیسی تازه زمانی که بر روی زمین متجلی شد، حسم گرفت. در پیدایش مبینیم که همه چیز به واسطه ادای کلمه توسط خدا خلق میشود. (پیدایش ۱)

فرشته خدا

در عهد جدید کلمات متفاوتی استفاده میشوند که در واقع یک معنی را می‌رسانند. کلمه، پسر، تصویر، و تجلی خدا. در واقع میتوان گفت که در عهد جدید، عیسی به عنوان مکاشفه خدای «نهفته» است. سوالی که به وجود می‌آید این است که در عهد قدیم چگونه است. آیا عیسی تنها در زمان پیدایش حضور داشت یا اینکه زمانهای دیگری نیز بودند که او در آسمان یا بر زمین دیده میشد؟ در عهد قدیم مبینیم که در دفعات متفاوت فرشته خدا ظاهر میشود

پیدایش ۱۶: ۷-۱۰، ۱۳

در این داستان میخوانیم که فرشته خدا به هاجر ظاهر شد. فرشته می‌گوید: «من به تو فرزندان بسیاری خواهم داد.» هاجر در آیه ۱۳ تأیید میکند که ادونای «خداوند» کسی است که با او سخن گفته است.

آتش

چطور فرشته خدا بر موسی ظاهر شد و چه چیزی در مورد او استثنا بود؟

خروج ۳: ۲-۵
خروج ۳: ۶

۱

۲





فرشته خود را چطور معرفی میکند؟

خروج ۱۴: ۱۹، ۲۰

۱

در این داستان

فرشته خدا چگونه نمایان میشود؟

بوشع وارد سرزمین وعده شده میشود، ولی قبل از شروع جنگ با مردی ملاقات میکند. آن مرد خود را چگونه معرفی میکند و عکس العمل بوشع چیست؟

یوشع ۵: ۱۳، ۱۴

۱

تصویر خدا

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

۱

در اینجا میخوانیم که

عیسی تصویر خداست. در نمونه های که تا بحال نام برده شد می بینیم که عیسی از زمان پیدایش به عنوان کلمه آفریننده، حضور داشته است. بعد از آن هم به عنوان نماینده خدا بارها بر روی زمین آمده است. او خود را به عنوان خدا معرفی کرده است. پس عیسی در عهد جدید همیشه بوده است، ولی نه به عنوان یک انسان بر روی زمین.

عهد

لحظه مهم دیگر نیز وجود دارد که باید از آن یاد کرد. خدا بارها خود را در کلامش به عنوان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب معرفی میکند. ولی این چه ربطی به عیسی دارد؟ با هم خواندیم که خدا میخواست انسان را از اسارت شیطان آزاد کند. شیطان به واسطه نافرمانی انسان از خدا و گوش شنوای انسان برای او، بر زمین قدرت یافته است. خدا میخواست فرمانروایی شیطان را بشکند. این تنها در صورتی امکان پذیر بود که شخصی عادل پیدا میشد. برای عیسی معنی حقانیت این است که خدا فرمانروا قلب اوست و او آنچه را که از پدر میثنون انجام میدهد. بدین وسیله شیطان در زندگی این شخص قدرت ندارد.

خدا در ابرام فردی را دید که به واسطه ایمانش عادل بود. ابرام آنچه را که از خدا میثنونید، انجام میداد. به همین خاطر خدا تصمیم گرفت که به واسطه نسل ابرام دنیا را از فرمانروایی شیطان آزاد کند. به همین دلیل خدا میخواست که با ابرام عهدی ببندد. این عهد یک عهد خونی بود. عهدی که تا ابد ادامه خواهد داشت.

پیدایش ۱۵: ۱-۶

در این داستان میبینیم که خدا به ابرام نسلی بزرگ و در عین حفاظت، برکت و صلح را وعده میدهد. چون ابرام به خدا اعتماد داشت، حالا خدا با او عهد می بندد.

کی در میان قربانی حیوانات ظاهر شد؟

پیدایش ۱۵: ۹، ۱۰، ۱۷

۱

۱۸

عیسی خود را نور عالم مینامد. در عهد قدیم نیز بارها میبینیم که خدا بصورت آتش، نور یا مشعل ظاهر میشود. این داستان بسیار مهم است، چون خدا به ابرام وعده میدهد که او میراثی که خدا برای انسانها در نظر گرفته است را خواهد گرفت و دشمنانش شکست خواهند خورد. عیسی در زمان بسته شدن این عهد حضور دارد.





بعداً زمانی که ابرام نام جدیدی «ابراهیم» را دریافت میکنند، به او فرزندی به نام اسحاق داده میشود. زمانی که این پسر ۱۳ ساله بود ابراهیم باید او را قربانی میکرد. در اینجا نیز ابراهیم به خدا گوش میدهد و به راه میافتد تا بر کوه موریا پسر را قربانی کند. زمانی که میخواست چاقو را در بدن فرزندش فرو کند، فرشته خدا ظاهر میشود.

پیدایش ۲۲: ۱۱، ۱۲

فرشته دید که ابراهیم از خداوند اطاعت کرده و حتی فرزندش را از او دریغ نکرده است. به واسطه این عمل از روی لیمان و به خاطر عهد که خدا با او داشت، خدا هم از قربانی فرزند بگانه خود را دریغ نخواهد کرد. پسر خدا انسانها را آزاد می کند و بخشش را برای آنها می آورد و او این کار را از نسل ابراهیم شروع خواهد کرد. چطور؟ این را در بخش بعدی خواهیم آموخت.

مشق

داستان ابرام را در پیدایش ۱۲ - ۲۲ بخوانید. آنچه را که از رابطه ابرام با خدا می آموزید، یادداشت کنید.



بنویسید که ابرام با چطور ملاقات کرد و بعد از این ملاقات چه اتفاقی افتاد.

برای مربی تان بگویید که دید شما در حال حاضر درباره عیسی چیست. چی چیزی را درباره او باور دارید؟ چی سوالهایی را در باره شخص عیسی در ذهن تان دارید؟



از مربیتان بپرسید که او چطور عیسی را شناخت و امروز عیسی برای او کی است؟

اصول ۸

عیسی در عهد عتیق به عنوان کلام خدا، آتش خدا، یا فرشته خداوند حضور داشت.





یوحنا ۸: ۵۲-۵۸

۵۲ یهودیان به او گفتند: «حالا مطمئن شدیم که تو دیوانه هستی. ابراهیم و همه پیامبران مردند ولی تو می گوئی: هرکه از تعالیم من اطاعت نماید، هرگز نخواهد مرد. ۵۳ آیا تو از پدر ما ابراهیم و همه پیامبران که مرده اند بزرگتر هستی؟ فکر می کنی که هستی؟» ۵۴ عیسی جواب داد: «اگر من خود را آدم بزرگی بدانم این بزرگی ارزشی ندارد، آن پدر من است که مرا بزرگی و جلال می بخشد، همان کسی که شما می گوئید خدای شماست. ۵۵ شما هیچ وقت او را نشناخته اید، اما من او را می شناسم و اگر بگویم که او را نمی شناسم، مانند شما دروغگو خواهم بود، ولی من او را می شناسم و آنچه می گوید اطاعت می کنم. ۵۶ پدر شما ابراهیم از اینکه امید داشت روز مرا ببیند، خوشحال بود و آن را دید و شادمان شد. ۵۷ یهودیان به او گفتند: «تو هنوز پنجاه سال هم نداری پس چگونه ممکن است ابراهیم را دیده باشی؟» ۵۸ عیسی به ایشان گفت: «ببین بداند پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم.»

یوحنا ۱: ۱-۴، ۱۰، ۱۴

۱ در ازل کلام بود. کلام با خدا بود و کلام خود خدا بود، ۲ از ازل کلام با خدا بود. ۳ همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. ۴ زندگی از او بوجود آمد و آن زندگی نور آدمیان بود. ۱۰ او در دنیا بود و دنیا بوسیله او آفریده شد، اما دنیا او را شناخت. ۱۴ پس کلام جسم گشته بشکل انسان در میان ما جای گرفت. جلالش را دیدیم - شکوه و جلالی شایسته پسر یگانه پدر و پُر از فیض و راستی.

عیرانیان ۱: ۱-۳

۱ خدا در ایام قدیم، در اوقات بسیار و به راه های مختلف به وسیله انبیاء با پدران ما تکلم فرمود، ۲ ولی در این روزهای آخر به وسیله پسر خود با ما سخن گفته است. خدا این پسر را وارث کل کائنات گردانیده و به وسیله او همه عالم هستی را آفریده است. ۳ آن پسر، فروغ جلال خدا و مظهر کامل وجود اوست و کائنات را با کلام پُر قدرت خود نگه می دارد و پس از آنکه آدمیان را از گناهان شان پاک گردانید، در عالم بالا در دست راست حضرت اعلی نشست.

پیدایش ۱۶: ۷-۱۳

۷ فرشته خداوند هاجر را در بیابان نزدیک چشمه ای که در راه شور است ملاقات کرد. ۸ فرشته گفت: «هاجر، کنیز سارای، از کجا می آئی و به کجا می روی؟» هاجر گفت: «من از خانم خانه ام فرار کرده ام.» ۹ فرشته گفت: «برگرد و پیش خانم خانه ات برو و از او اطاعت کن.» ۱۰ سپس فرشته گفت: «من اولاده تو را آنقدر زیاد می کنم که هیچ کس نتواند آنرا بشمارد. ۱۱ تو پسری به دنیا می آوری و اسم او را اسماعیل می گذاری، زیرا خداوند گریه تو را شنید که به تو ظلم شده است. ۱۲ اما پسر تو مثل گوره خر زندگی می کند. او بر ضد همه و همه بر ضد او خواهند شد. او جدا از همه برادران خود زندگی خواهد کرد.» ۱۳ هاجر از خود پرسید: «آیا من براستی خدا را دیده ام و هنوز زنده مانده ام؟» بنابراین، او نام خداوند را که با او صحبت کرده بود «خدائی که مرا می بیند» گذاشت.

خروج ۳: ۲-۵

۲ در آنجا فرشته خداوند از میان شعله آتش که از یک بوته بر می خاست، بر او ظاهر شد. موسی نگاه کرد و دید که بوته شعله ور است اما نمی سوزد! ۳ پس با خود گفت: «نزدیک بروم و این چیز عجیب را ببینم که چرا بوته نمی سوزد؟» ۴ وقتی خداوند دید موسی نزدیک می آید، از میان بوته آتش او را صدا کرد و فرمود: «موسی! موسی!» موسی عرض کرد: «بلی.» ۵ خدا فرمود: «نزدیکتر نیا، کفش هایت را از پاهایت بیرون کن چون جائی که ایستاده ای، زمین مقدس است.»

خروج ۳: ۶

۶ من، خدای اجداد تو هستم. خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب. موسی روی خود را پوشاند، چون ترسید که به خدا نگاه کند.

خروج ۱۴: ۱۹، ۲۰

۱۹ فرشته خداوند که پیشاپیش بنی اسرائیل حرکت می کرد، رفت و در پشت سر آن ها ایستاد. ستون ابر هم در پشت سر آن ها قرار گرفت ۲۰ و بین سپاه مصر و بنی اسرائیل حایل شد، طوریکه برای مصریان ابر و تاریکی می بود و برای قوم اسرائیل در شب روشنائی می داد. به این ترتیب آن ها نمی توانستند که در تمام شب به یکدیگر نزدیک شوند.

یوشع ۵: ۱۳، ۱۴

۱۳ یوشع در نزدیکی های شهر اریحا بود که ناگهان مردی که یک شمشیر برهنه در دست داشت، پیدا شد. یوشع پیش او رفت و پرسید: «تو دوست ما هستی یا دشمن ما؟» ۱۴ آن شخص جواب داد: «نی، بلکه من





سپهسالار سپاه خداوند هستم.» یوشع به سجده افتاد و گفت: «آقا، به بنده تان چه امر می کنید؟»

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

^۶ ابرام به خداوند ایمان آورد و خداوند این را برای او عدالت شمرد و او را قبول درگاه خود کرد.

پیدایش ۱۵: ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸

^۹ خداوند در جواب فرمود: «یک گوساله و یک بز و یک قوچ که هر کدام سه ساله باشد و یک قمری و یک کیوتر برای من بیاور.» ^{۱۰} ابرام این حیوانات را برای خدا آورد، آن ها را از وسط دو تکه کرد و هر تکه را روبروی تکه دیگر گذاشت. اما پرندگان را پاره نکرد. ^{۱۷} وقتی آفتاب غروب کرد و هوا تاریک شد، ناگهان یک ظرف آتش و یک مشعل فروزان ظاهر شد و از میان تکه های حیوانات عبور کرد. ^{۱۸} سپس خداوند در آنجا با ابرام عهدی بست. او فرمود: «من قول می دهم که تمام این سرزمین، از مصر تا دریای فرات را به نسل تو بدهم.»

پیدایش ۲۲: ۱۱، ۱۲

^{۱۱} اما فرشته خداوند از آسمان او را صدا کرد و گفت: «ابراهیم، ابراهیم.» او جواب داد: «بلی، خداوندا.» ^{۱۲} فرشته گفت: «به پسر خود صدمه نرسان و هیچ کاری با او نکن. من حالا فهمیدم که تو از خدا اطاعت می کنی و به او احترام می گذاری. زیرا تو پسر عزیز خود را از او دریغ نکردی.»

^{۱۵} مسیح صورت و مظهر خدای نادیده است و نخست زاده و برتر از همه مخلوقات. ^{۱۶} زیرا به وسیله او هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی ها و نادیدنی ها، تخت ها، پادشاهان، حکمرانان و صاحبان قدرت آفریده شدند، بلی، تمام موجودات به وسیله او و برای او آفریده شدند. ^{۱۷} او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او با هم ارتباط پیدا می کند. ^{۱۸} او سر بدن، یعنی کلیساست، او آغاز است و اولین کسی است که پس از مرگ زنده گردید تا تنها او در همه چیز مقام اول را داشته باشد.

پیدایش ۱۵: ۱-۶

^۱ بعد از این ابرام رؤیائی دید و صدای خداوند را شنید که به او می گوید: «ابرام، نترس، من تو را از خطر حفظ می کنم و به تو اجر بزرگی می دهم.» ^۲ ابرام جواب داد: «ای خداوند متعال، چه اجری به من می دهی در حالیکه من فرزندی ندارم؟ تنها وارث من این ایلعازر دمشقی است. ^۳ تو به من اولادی ندادی و یکی از غلامان من وارث من خواهد شد.» ^۴ پس او شنید که خداوند دوباره به او می گوید: «این غلام تو، ایلعازر، وارث تو نخواهد شد. پسر تو وارث تو می شود.» ^۵ خداوند او را بیرون برد و فرمود: «به آسمان نگاه کن و ببین که آیا می توانی ستارگان را بشماری. فرزندان تو هم مثل ستارگان بشمار می شوند.»

